

اهرمی به نام ضدیت با رادیکالیسم چپ در دانشگاه

پیمان پیران

2007/6/27

وبلاگ آزادی برابری

www.azady-barabary.blogspot.com

ابداع راه های جدید برای سرکوب (آشوبگران) و (عمال بیگانه!!) ضرورتی حتمی برای نظم مستقر است. زیرا همانطور که شاهد بوده ایم نحوه و اسلوب مبارزات نیروهای مترقی جامعه نیز با گذشت زمان تغییر شکل داده است. از زمان شورش ۱۸ تیر که به صورت یک شورش فرا دانشگاهی در سال ۱۳۷۸ به وقوع پیوست و از همان ابتدا به راست هدایت شد و پایگاه اجتماعی خود را گم کرد ، اگرچه زمان بسیاری نگذشته اما عمر انجمن های اسلامی و حتی خرده گروه های ملی- مذهبی دانشجویی هم که به محض مطرح کردن مختصر امتیازات یا برخورد با کمترین فشار دانشگاه و دستگاه امنیتی از هم می پاشید و آلت دست واقع می شد، به سر رسیده است.

در جامعه سازمان یافته ای که در آن اسلام سیاسی و بخش های دیگر بورژوازی برای دفاع از منافع خود، همه وسایل لازم برای کنترل ، سرکوب و بازیچه قرار دادن حرکتها موثر دانشجویی را در اختیار دارند، حرکت های نمایشی و اعتراضات روی کاغذ ادوار و تحکیم و حدت یا جلسات شب شعر و تفسیر قران! و ... وابسته به دستجات سحابی و ابراهیم یزدی هیچ گونه اثری نداشته و ندارند. به همین جهت ، الزام فعالین دانشجویی با الگوهای رفتاری مترقی وارد میدان می شوند و روش های جدیدی برای نه تنها دفاع از حقوق صنفی و دانشگاهی خود بلکه برای دفاع از طبقات زحمتکش به عنوان تنها نیروی محرک تغییر جامعه ، ارائه می دهند:

از دید کسی پنهان نبوده و نیست که از چندین ماه گذشته تاکنون چگونه در برابر دفتر مرتجع تحکیم وحدت که تا چندی پیش مجیزه گوی دستگاه قدرت به شمار می آمد و همکنون در صف رصد کنندگان نطفه تغییر و تحول در خارج از مرزهای ایران ایستاده است، عده ای وارد گود می شوند که خودشان

را به مارکسیسم منتسب می دانند .

برای اشاره بد نیست که بگویم تا قبل از 1920، مارکسیسم در ایران رونق چندانی ندارد. در آن زمان که بخشی از حزب دموکرات ، از سرایت انقلاب روسیه هراس داشت و بخش دیگرش زیر نفوذ مالکان بزرگ ایران بود و از طرفی دیگر سوسیال دموکراتها و اجتماعيون راه پیروی از قانون و منافع خرده بورژوازی را در پیش گرفته بودند، (حزب کمونیست ایران در 22 ژوئیه 1920 نخستین کنگره خود را در شهر انزلی برگزار کرد. این روزها نه تنها برای جنبش انقلابی ایران بلکه همچنین برای تمام خاور زمین نقطه عطفی تاریخی بود. چهل و هشت نفر نماینده علیرغم همه دسایس جاسوسان انگلیس از نقاط مختلف ایران در انزلی گرد آمده بودند ، که در بین آنان نمایندگان کمونیستهای ایران مقیم ترکستان و قفقاز حضور داشتند .) گزارش سلطانزاده از اولین کنگره حزب کمونیست ایران.

واقعیت این است که از چندین دهه، پیش از این اتفاق تا به حال ، رسانه های بلندگوی سرمایه داری به همراه دیگر حامیان نظم موجود را همیشه عادت بر این بوده است که هر وقت حرکت جدی از پایین ترین لایه های اجتماعی با نفی اپورتنیسم و رادیکالیسمی مختص به خود شکل گرفته و جنبشی همانند جنبش دانشجویی را در نور دیده است، فوراً از چپ و رادیکالیسم آن به صورت لولو خر خره ای استفاده کنند. چپ و رادیکالیسم از هر حیث نشانه بسیار خوبی برای آماج آنهاست و، با چهره ای که جراید در خدمت صاحبان سرمایه از آن ترسیم می کنند ، تمام پلیدیهای احتمالی را در خود جمع دارد. به طوریکه کیهان در چاپ شماره 11 اردیبهشت خود سعی داشت اتفاقات پیش آمده و مشکوک دانشگاه پلی تکنیک را به طیف افراطی و چپ گرای دانشگاه منتسب کند. از طرف دیگر ماه گذشته در همین راستا شاهد صدور بیانیه ی در خطاب به دانشگاه از سوی نهضت خود خوانده آزادی بودیم که در آن دانشجویان را خنده آور از حضور فعالین مارکسیست در دانشگاه آگاه می کرد و از آنها می خواست تا از خودشان در مقابل دانشجویان اولترا چپ محافظت کنند!! اگر این نوکران نشاندار سرمایه داری ، موفقیت مادی را (مشیت الهی) و نشانه حمایت پروردگار از مردمان سر به راه و (خوب و نجیب) می دانند، رادیکالیسم چپ در ایران نه تنها فلسفه ای را که از وجود مادی جدا باشد ، تهی و بی محتوا می شمرد، بلکه موفقیت سرمایه داری پیش رفته و سرمایه داری نامتعارف و ضد انسانی ایران را هم

محکوم می کنند و آن را حاکی از غارتگری و چپاول می دانند . مهدی بازرگان یکی از مخالفین سر سخت مارکسیسم در دوره ای که تفکر غالب و هژمونیک در دانشگاهها چپگرایی بود و هنوز موج سرکوب های خونین و گسترده آغاز نشده بود ،جایی گفته بود: (آیا امکان دارد که قادر متعال بین خوشبختی افراد جامعه و تقوای آنها!! رابطه ای برقرار نکرده باشد؟) نیروهای مترقی و چپ و رادیکال نه تنها التفاتی به ایده آلیسم عقب مانده بر خواسته از نظام سرمایه داری ندارند، بلکه اصلا (خوشبختی) افراد جامعه ای را که اکثریت عظیم آن در فقر و بدبختی به سر می برند ، تأیید نمی کنند و به هیچ وجه به (تقوای) آنهايي که قدرت واقعی جامعه را تحت عنوان اسلام سیاسی به دست دارند؛ معتقد نیستند. بنابر این از آنجا که مارکسیسم انعکاس رادیکالیسم و انقلابیگری طبقه کارگر است، بیش از هر جریان فکری دیگر برای بورژوازی، سمبول پلیدی و بالطبع ، آشوبگر و ضد امنیت است. به همین خاطر است که، ترس از رادیکالیسم چپ ، اهرم بسیار موثری است برای بر پا داشتن اضطراب و وحشت؛ دلالان صاحب سرمایه ، مداحان نظم به خاطر نظم، برای سرکوبی (نافرمانانان) حداکثر استفاده را از این سرکوب می کنند. در این شرایط است که برای نمونه در کمیته نشریات دانشگاه تهران، آینده و قضیه نشریه دانشجویی خاک به کرام الکاتبین وعده داده می شود و اعضای هیئت تحریریه آن هر یک به نوبه خود یا از دانشگاه اخراج می شوند و یا معلق از تحصیل می گردند و یا راهی اتاق های بازجویی دستگاه اطلاعاتی می شوند.

اگر در حال حاضر در بین فعالین چپ ایران ، روشنفکران یا دانشجویانی دیده می شوند که در محیط دانشگاهی پرورش یافته اند ، ولی اکثریت آنها را افراد طبقات پائین تشکیل می دهند: این قبیل نیروها از دو جهت برای اسلام سیاسی بیگانه هستند ، هم به خاطر رفتارشان در عرصه سیاسی و به دلیل فرار از مناسبات تحمیل شده روزمره مردم و هم به خاطر عقایدشان که بی واسطه حامل نطفه تغییراند.

به نظر طرفداران سرمایه داری چه وابسته و چه غیر وابسته و نظم موجود ، این اقلیت رادیکال سرطانی است که ممکن است روز به روز پیشرفت کند و تمام ساختمان جامعه را به نفع طبقه کارگر و زحمتکش نابود کند . به همین جهت برای برخورد با بخشی از آن پس از هر دوره تحصیلی و بسته شدن دانشگاهها و آغاز تعطیلات تابستان ، این فعالین دانشجویی مانند هر تابستان دیگر هدف اصلی حمله ها قرار می گیرند.

Piran_2008@yahoo.com